

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مبانی فقهی انقلاب اسلامی در
اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه

علی اکبر ناصری



سخن ناشر

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾ والصلوة والسلام
على النبي الأمين محمد وآله الهداة المهديين وعترته المنتجبين واللعنة
على اعداء الدين، إلى قيام يوم الدين.

حوزه کهن علوم اسلامی در زمینه علوم پایه، مانند: فقه، کلام، فلسفه
و اخلاق و علوم ابزاری، مانند: رجال، درایه و حقوق در طول چهارده
قرن فرازاها و فرودهای بسیاری داشته است.

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و در عصر جهانی شدن
ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های جدیدی، به‌ویژه در حوزه علوم انسانی،
فراروی اندیشمندان اسلامی قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از
مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پابندی به دین و
سنت، در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید.

ازاین‌رو، پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه
دین، براساس سنجه‌های معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های
ناب، بایسته است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان

حوزه دین، مهم و مورد عنایت بنیان‌گذاران این شجره طیّبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری دام ظلّه العالی است.

در این راستا، «**جامعة المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمية**» برای انجام این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم، «**مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم**» را بنیان نهاده است.

نوشتار پیش‌رو به همت فاضل ارجمند، جناب آقای علی‌اکبر ناصری، برآیندی از این تلاش در به ثمر رساندن گوشه‌ای از این اهداف متعالیه است.

در پایان، از بزرگوارانی که در نشر این اثر یاریگرمان بوده‌اند، سپاسگزاریم و چشم‌به‌راه نقد و نظر اربابان فضل و معرفت هستیم.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

فهرست

پیشگفتار.....	۱۱
۱. مفاهیم و کلیات.....	۱۵
گفتار اول: مفهوم‌شناسی.....	۱۵
۱. مبانی.....	۱۵
۲. فقه.....	۱۶
۳. فقه سیاسی.....	۱۶
۴. اندیشه.....	۱۷
۵. انقلاب.....	۱۷
۶. انقلاب اسلامی.....	۲۲
گفتار دوم: کلیات.....	۲۶
۱. رابطه دین و سیاست.....	۲۶
۲. انواع حکومت در اندیشه امام خمینی.....	۴۰
۳. تقیه.....	۴۹
۴. انقلاب در اندیشه سیاسی شیعه.....	۵۱
۵. انقلاب در اندیشه سیاسی امام خمینی.....	۵۸
جمع‌بندی فصل.....	۵۹

۲. امر به معروف و نهی از منکر ۶۳
- گفتار اول: مباحث کلی ۶۴
۱. اهمیت و آثار امر به معروف و نهی از منکر ۶۴
۲. وجوب امر به معروف و نهی از منکر ۶۶
۳. شرایط وجوب ۶۷
۴. مراتب امر و نهی ۶۸
۵. انواع معروف و منکر ۷۰
۶. امرو نهی حاکمان ۷۱
۷. امام خمینی و امر به معروف و نهی از منکر ۷۴
- الف) لزوم اقدام همگانی ۷۴
- ب) توسعه در مفهوم تأثیر ۷۵
- ج) امرو نهی حاکمان ۷۶
- د) نیابت فقیه از معصوم در اعمال قدرت ۷۷
- هـ) وظایف خاص عالمان و رؤسای مذهب ۷۸
- و) اهتمام به اصول و شعائر اسلام ۷۹
- ز) امام خمینی و مصادیق جدید ۸۱
- گفتار دوم: منکرات عصر پهلوی ۸۲
۱. منکرات سیاسی ۸۲
۲. منکرات فرهنگی ۹۴
۳. منکرات اقتصادی ۱۰۱
- گفتار سوم: مراحل مبارزه ۱۰۴
۱. قبل از تبعید ۱۰۵
۲. بعد از تبعید ۱۱۳
- جمع‌بندی فصل ۱۳۶
۳. نفی سلطه اجانب ۱۳۹
- گفتار اول: قاعده نفی سبیل ۱۴۰
۱. واژه شناسی ۱۴۰
۲. مدارک قاعده ۱۴۱
- الف) آیه نفی سبیل ۱۴۱
- ب) نبوی مشهور ۱۴۳

۱۴۴	ج) اجماع.....
۱۴۵	د) مناسبت حکم و موضوع.....
۱۴۵	۳. مفاد قاعده.....
۱۴۶	۴. موارد تطبیق قاعده.....
۱۴۷	۵. ابعاد سیاسی قاعده.....
۱۴۸	۶. امام خمینی و قاعده نفی سبیل.....
۱۵۰	گفتار دوم: سلطه بیگانگان بر ایران.....
۱۵۱	۱. سلطه سیاسی.....
۱۶۵	۲. سلطه فرهنگی.....
۱۷۲	۳. سلطه اقتصادی.....
۱۷۵	۴. سلطه نظامی و امنیتی.....
۱۸۱	گفتار سوم: امام خمینی و نفی سلطه بیگانگان.....
۱۸۳	۱. نفی سلطه سیاسی.....
۱۸۶	۲. نفی سلطه فرهنگی.....
۱۸۹	۳. نفی سلطه اقتصادی.....
۱۹۱	۴. نفی سلطه نظامی.....
۱۹۳	جمع‌بندی فصل.....
۱۹۵	۴. ظلم‌ستیزی
۱۹۶	گفتار اول: مباحث کلی.....
۱۹۶	۱. ظلم در لغت.....
۱۹۶	۲. ظلم در قرآن.....
۱۹۷	۳. حرمت ظلم.....
۱۹۷	۴. وجوب ظلم‌ستیزی.....
۲۱۳	۵. امام خمینی و وجوب ظلم‌ستیزی.....
۲۱۷	گفتار دوم: ظلم‌های عصر پهلوی.....
۲۱۷	۱. ظلم‌های سیاسی.....
۲۲۰	۲. ظلم‌های اجتماعی و فرهنگی.....
۲۲۳	۳. ظلم‌های اقتصادی.....
۲۲۸	گفتار سوم: امام خمینی و نفی ظلم‌های پهلوی.....

۲۲۸	۱. نفی ظلم‌های سیاسی.....
۲۳۱	۲. نفی ظلم‌های اجتماعی و فرهنگی.....
۲۳۳	۳. نفی ظلم اقتصادی.....
۲۳۵	جمع‌بندی فصل.....
۲۳۷	جمع‌بندی نهایی.....
۲۴۱	کتابنامه.....

پیشگفتار

انقلاب اسلامی به‌عنوان یک واقعه سیاسی در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. در پی آن، کتاب‌ها و آثار بی‌شماری پدید آمد. بخش مهم این آثار، مطالعه انقلاب اسلامی با رهیافت‌های گوناگون است. در این دسته از آثار تلاش شده است که نظریات بنیادین انقلاب، بر انقلاب اسلامی تطبیق داده و یا احیاناً از نظریات تلفیقی استفاده شود. وقتی احساس شد تحلیل انقلاب اسلامی با نظریات رایج انقلاب ممکن نیست، آثاری هویدا گشت که انقلاب اسلامی را با رهیافت فرهنگی مطالعه می‌کرد. در این دسته از آثار بر عامل اسلام و فرهنگ شیعه تأکید می‌شد و یا مبانی فکری انقلاب اسلامی را در اسلام و فرهنگ شیعه و اندیشه سیاسی امام خمینی جست‌وجو می‌کرد. نام بردن از آثار انبوهی که در این زمینه پدید آمده و نیز بیان کاستی‌های آنها در این نوشتار ناممکن است.

پژوهش پیش‌رو به درستی و نادرستی نظریاتی که درباره انقلاب اسلامی ارائه شده نمی‌پردازد. این تحقیق بر وجود مبانی فکری برای انقلاب اسلامی که ریشه عمیق در اندیشه اسلامی و فرهنگ تشیع دارد،

استوار است. سؤال این تحقیق این است که چرا امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب و به تبع ایشان سایر انقلابیون، علیه حکومت سلطنتی پهلوی قیام کردند؟ به بیان دیگر، امام خمینی به عنوان فقیهی که پایبند شریعت بود، با چه مجوزی از شرع علیه شاه برخاست؟ به عبارت سوم، امام خمینی چه تکالیفی الزامی را احساس کرد که لزوم قیام علیه شاه را مطرح ساخت و این تکالیف از منظر امام خمینی کدامند؟ این سؤالات و سؤالات مشابه، ما را به اصلی ترین پرسش این تحقیق سوق می دهد و آن

اینکه مبانی فقهی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی کدامند؟

در پاسخ به این پرسش، پژوهش حاضر در چهار فصل سامان یافته است. فصل اول که به منزله چهارچوب نظری این تحقیق است، به مفاهیم و کلیات پرداخته است.

فصل دوم با عنوان امر به معروف و نهی از منکر، به بررسی نقش امر به معروف و نهی در انقلاب اسلامی می پردازد.

در فصل سوم با عنوان وجوب نفی سلطه اجانب، به کنکاش مبنایی دیگر از انقلاب اسلامی پرداخته شده است و در فصل پایانی با عنوان وجوب ظلم ستیزی، این نوشتار را با بیان مبنایی دیگر از مبانی این انقلاب به پایان رسانده ایم.

بیان این نکته لازم است که تبیین و فهم مبانی فقهی انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی، دست کم دارای دو فایده است:

نخست اینکه رابطه انقلاب اسلامی با دین اسلام، به ویژه با اندیشه سیاسی شیعه را اثبات می کند و به طور ضمنی تحلیل هایی را که انقلاب اسلامی را مبتنی بر اندیشه های غیردینی می داند، رد می کند.

فایده دوم، فهم وظایف عموم مؤمنان، به ویژه شیعیان است که از این

راه می‌توان حکومت‌های زمانه را با ملاک‌های مورد نظر سنجید و در صورت لزوم، وظایف خود را در قبال حاکمان تشخیص داد؛ زیرا قلمرو این پژوهش به لحاظ موضوعی، مبانی فقهی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی است که در عصر حاضر فقط یک مصداق دارد، اما به لحاظ نظری، موضوع انقلاب به صورت کلی در اندیشه امام، قلمرو زمانی و مکانی را در می‌نوردد.

در پایان، بر خود می‌دانم از استادان بزرگوار حجت‌الاسلام سید جواد ورعی و حجة‌الاسلام دکتر نجف لکزایی که با ارزیابی علمی، نقادانه، نکته‌سنجی‌ها و ارایه مطالب راهگشا در غنای این اثر سهیم‌اند، قدردانی کنم. از مسئولان و کارمندان کتابخانه تخصصی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام که با حوصله‌مندی و محبت، زمینه این پژوهش را فراهم ساخته‌اند، سپاسگزارم. از آنجا که این نوشتار پژوهشی بدیع است، امیدوارم کارشناسان محترم حوزه مطالعات انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی علیه‌السلام با یادآوری کاستی‌ها، اسباب اثری فراخور را فراهم سازند.

علی اکبر ناصری

خرداد ۱۳۹۰